



دانشگاه لرستان

شاپای الکترونیکی: ۳۹۶۳-۲۳۸۳

دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات

<http://koran.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

تأثیرپذیری معروف عبدالمجید از کلام الهی

نعیم عموری^۱ مسعود باوان پوری^۲

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

اطلاعات مقاله

چکیده

دریافت مقاله:

۴ تیر ۱۳۹۹

پذیرش نهایی:

۱۸ آبان ۱۳۹۹

به کارگیری واژه‌های دل‌انگیز و تعابیر روح‌بخش قرآنی در سروده‌ها و نوشته‌های پیشینان و معاصران، فراوان به چشم می‌خورد. در بلاغت قدیم از شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن با عناوینی چون: تضمین، تلمیح، عقد و ... و در نقد قدیم با تعابیری چون: متناقضات، سرقات و ... یاد شده است. اشعار معروف عبدالمجید، شاعر معاصر شیعه‌شده مصری، به ویژگی تأثیرپذیری از قرآن، برجسته و متمایز گشته است. بررسی، تبیین و تشریح اشعار وی از این منظر و بیان انواع مله‌مات وی از قرآن کریم از اهداف مقاله حاضر است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. از ویژگی‌های بارز سروده‌های معروف، پرداختن به مسئله غدیر و وحدت امت اسلامی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که شاعر، هدفمندانه و در راستای پرداختن به این مضامین، گاهی به ایجاد ارتباط شعر خویش با مضمون و مفهوم آیاتی از قرآن کریم مبادرت ورزیده است که در شأن و منزلت اهل بیت (ع) و ولایت علی (ع) نازل شده‌اند.

واژگان کلیدی:

قرآن کریم، تأثیرپذیری از

کلام الهی، معروف

عبدالمجید.

^۰ نویسنده مسئول

پست الکترونیک نویسندگان: n.amouri@scu.ac.ir

استنادی به مقاله:

عموری، نعیم؛ باوان پوری، مسعود (۱۴۰۰). تأثیرپذیری معروف عبدالمجید از کلام الهی، دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۹)، صص ۱-۱۰.

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسأله پژوهش

قرآن، کتاب دینی و اعتقادنامه همه مسلمانان جهان است. این کتاب حکمت و هدایت، نظر به تعالی انسان‌ها از خاک تا افلاک دارد و اساساً آمده است که آدمیزادگان را از مغاک شهوات پست حیوانی به اوج افلاک و سفرهای علوی و آسمانی برساند. کتابی که با گذشت هزار و چهار صد سال، با زندگی آنان عجین شده و گویی با رگ و پوست و خون آنان درهم آمیخته است و «معانی و مفاهیم آن در طول چهارده قرن از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی ما تأثیر پنهان و آشکار نهاده است.» (حلی، ۱۳۷۴: ۱۱) لذا خواندن، درک مفاهیم و آموزش این کتاب بزرگ به منزله زیستن و حیات دوباره ما با قرآن است. ادب عربی در پرتو قرآن کریم به زیباترین شکل ممکن تعالی یافته و به صورت درخشان‌ترین ادب ملل جهان درآمده است و ادیبان و شاعران از دیرباز در آثار خویش به آیات قرآنی توجه داشته و از آن‌ها بهره برده‌اند زیرا «قرآن کریم به ادیبان و نویسندگان اجازه داده الفظی را انتخاب کنند که توافق و مناسبت بیشتری با معنا داشته باشد.» (مغنی، ۱۹۹۵: ۵۴) از آنجا که قرآن کریم معیار فصاحت و بلاغت در نزد عرب بوده است، شاعران و نویسندگان کوشیده‌اند با استفاده از الفاظ سحرانگیز و معانی والای آن، توانایی خود را در به کارگیری الفاظ و مضامین نشان داده و نیز با استشهاد به آن، تأثیر سخن خود را فزونی بخشند و در پناه قداست و حرمت کلام ربّانی، حلاوت اندیشه‌های خود را صدچندان ساخته، آن را ارجمندتر و پذیرفتنی‌تر نمایند زیرا «بکارگیری و بازخوانی قرآن کریم در متون شعری یعنی اعطای مصداق بودن به شعر و بالا بردن ارزش آن، به خاطر قداست و اعجاز قرآن کریم.» (جربوع، ۲۰۰۲: ۱۳۴) معروف عبدالمجید، شاعر معاصر مصری که به تشیع گرویده، در دیوان خویش، از الفاظ و معانی قرآنی بهره گرفته و آن‌ها را به زیباترین شکل ممکن در شعر خویش منعکس نموده است شاید دلیل آن به این نکته برگردد که «قرآن کریم ارزشمندترین اثری است که شاعران با آن به عنوان یک میراث ادبی و دینی و جامع و کامل، تعامل

داشته‌اند.» (رستم‌پور، ۱۳۸۴: ۱۹) روش شاعری وی استفاده از آیات و مفاهیم و اشارات قرآنی است که شاید سبب این امر به توجه ارادی و غیرارادی شاعر به قرآن کریم و ایمان راستین وی به این موضوع است که الهام گرفتن از قرآن دارای اهمیت ویژه‌ای در بالا بردن نام شاعر در میان شاعران دیگر دارد. مقاله حاضر می‌کوشد با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی دیوان "بلون الغار بلون الغدیر" شاعر، بهره‌گیری وی از الفاظ و مضامین والای قرآنی را در قالب مواردی چون اقتباس، تضمین، تلمیح و ... مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۱.۲. مفاهیم و کلیات بحث

قرآن کریم از زمان نزول تا زمان حاضر، به خاطر وحیانی بودن و در نتیجه برخورداری از جمال لفظی و معنوی غیرقابل وصف، همواره الگوی بسیاری از شاعران و ادیبان بوده است. در هر دوره و زمانی اصحاب شعر و ادب به فراخور ذوق و استعداد خویش از گنجینه‌های بی‌پایان الفاظ، معانی و اسالیب آن بهره برده‌اند. البته تأثیرپذیری از فرهنگ غالب جامعه امری بدیهی است، از این رو هر ادیب مسلمانی کم و بیش، خودآگاه و ناخودآگاه از میراث فرهنگی-اسلامی که خود بر شالوده قرآن بنا نهاده شده، به نحوی بهره‌مند بوده و این امر موجب شده است که از دیرباز بررسی تأثیر قرآن کریم بر اندیشه‌ها و جلوه‌های لفظی و معنوی شاعران مسلمان، مورد علاقه ادب‌پژوهان قرار گیرد. با نگاهی گذرا به آثار ادیبان و شاعران، بخصوص مسلمان، پیداست که بسیاری از عبارات و تعبیرات و اشارات و استدلال‌های آن‌ها، ملهم از کتاب مبین قرآن کریم است که در قالب مباحثی مثل تضمین، تلمیح، اشاره و اقتباس و نیز در زمینه نقدی به سرقات، معارضات و مناقضات مطرح است. (ر.ک عزام، ۲۰۰۱: ۴۲)

البته از قبل از نزول اسلام نیز مباحثی این چنین مطرح بوده است؛ محمد بنیس معتقد است که شعر قدیم عرب به خاطر وجود ارتباط میان متون رشد و تعالی یافته است و در این زمینه مقدمه طللی را مثال زده است و معتقد است سنت شعری و قوف بر اطلال و دمن و گریستن بر آنها سبب ایجاد یک افق گسترده در ورود قصاید شاعران به یک فضای مشترک گشته است. (ر.ک بنیس، ۱۹۷۹: ۱۸۲)

شعر سبب شد کتاب‌های خود را با هزینه شخصی به چاپ برساند. او از شعرای آیینی مصر است و پس از شیعه شدن، اشعار بسیاری در مدح اهل بیت (ع) سروده است که در پایگاه شعراء اهل‌البیت در قسمت الموسوعة الشعرية حسب الدول الحالية در بخش شعرای مصر موجود است. (وبسایت شعرای اهل بیت (ع)) او در زمان حکومت مبارک، بیست و هشت سال در تبعید بوده است و در این باره می‌گوید: «کشور مصر سال‌ها زیر سلطه حکومت ظالم مبارک بود و ما جرأت فعالیت‌های این چنینی آشکار را نداشتیم به گونه‌ای که من ۲۸ سال تبعید بودم و از خارج، امور را هدایت می‌کردم.» (وبسایت فارس نیوز) وی در انقلاب اخیر مصر، پشتیبان و مشوق انقلابیون مصر بود. او آثار بسیاری درباره اهل بیت (ع) و حوادث منطقه از خود برجای گذاشته است. برخی از آثارش عبارت است از:

- ۱- کتاب «انا الحسین ابن علی» که در قالب رمان درباره واقعه کربلا نگاشته شده است. این کتاب با نام «مرگ سرخ» به فارسی ترجمه شده است. ۲- «معلقة علی جدار الاهرام»: مجموعه اشعار اوست که در سال ۱۴۱۸ / ۱۹۹۷ به چاپ رسیده و شامل ۱۴ قصیده است. ۳- «احجار لمن تهفوا لها نفسی»: مجموعه اشعاری که در سال ۱۴۱۸ / ۱۹۹۷ انتشار یافته و موضوع آن فلسطین، انتفاضه و قدس است. ۴- «وینصبون عندها سقیفة»: ۱۳ قصیده با موضوعات گوناگون است که در سال ۱۴۱۸ / ۱۹۹۷ چاپ شده است. ۵- «أکاسیا للفراعة»: مجموعه داستان‌های کوتاه او در موضوعات گوناگون است. ۶- «أمریکا فی فکر الإمام الخامنئی»: که ترجمه کتاب آمریکا از دیدگاه رهبری به زبان عربی است. ۷- «بلون الغار بلون الغدير»: دیوان شعری است که در آن اشعاری در مدح پیامبر (ص)، امام علی (ع)، حضرت زهرا (س)، و امام حسین (ع) آمده است. برخی از اشعار آن در قالب کلاسیک و برخی شعر نو است. ۸- «حدیث الولاية»: ترجمه به عربی. ۹- «الحوزة من منظار الإمام الخامنئی»: ترجمه به عربی. ۱۰- «یکاد زیتها یضیء»: جدیدترین دیوان شعری اوست که در آن به مدح و رثای اهل بیت (ع) پرداخته است و برخی از اشعار آن در

شعر امرؤالقیس کندی نیز بخوبی بیانگر تأثیرپذیری شاعران از یکدیگر بوده است و نیز اینکه گریستن بر اطلال و دمن محبوب در واقع کاری تکراری در میان شاعران بوده است:

عَوَجاً عَلَى الطَّلَلِ المَحِيلِ
نَبْکِي الدِّيَارِ کَمَا بَکِي بن خَدام
(امرؤالقیس، ۱۹۸۹: ۲۸۱)

ناقدان قدیم ادب عربی به پدیده تداخل بین متون اهتمام خاصی داشته و بیشترین توجه را به بهره‌گیری از قرآن کریم و احادیث داشته‌اند مانند این شعر از ابن الرومی:

لَقَدْ أَنْزَلْتُ حَاجَاتِي
بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ
(ابن الرومی، ۱۴۰۷: ۲۶۵)

این بیت، برگرفته از قرآن کریم است «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيِّ بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ» (ابراهیم: ۳۷)

سخن از اقتباس و تأثیر، باید با سخن از اثر قرآن کریم در زبان و ادبیات عرب آغاز شود، چرا که قرآن منبع و مصدر تمام علوم و معارف عربی می‌باشد. (فکیکی، ۱۹۹۶: ۷)

۲.۲ زندگینامه و تشیع شاعر

معروف عبدالمجید محمد به سال ۱۹۵۲ میلادی، در استان قلیوبه مصر به دنیا آمد تحصیلاتش را در دانشگاه الازهر و در رشته زبان و ادبیات سامی به پایان برد؛ سپس در دانشگاه ایتالیا در رشته کتبه‌های سامی فارغ‌التحصیل شد؛ پس از آن به تحصیل در رشته آثار باستانی روم و یونان باستان در دانشگاه‌های زوریخ سوئیس و گوتینگ آلمان پرداخت و از این دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شد. (خزعلی، ۱۳۸۳: ۳۴۲)

معروف عبدالمجید، علاوه بر تسلط کامل بر زبان و ادبیات عرب، به چند زبان زنده دنیا آشنایی کامل دارد. وی در سال ۱۹۸۴ میلادی و پس از چند سال مطالعه و تحقیق و جستجو مستبصر شده و به مذهب اهل بیت (ع)، گرویده است و هم اکنون به تدریس در محیط‌های دانشگاهی و فعالیت در رسانه‌های گروهی و از جمله، رادیو و تلویزیون برون مرزی ایران مشغول است. علاقه شدید وی به نویسندگی و سرودن

قلب کلاسیک و برخی دیگر شعر نو است. (وبسایت مستبصرین)

۲.۳. پیشینه پژوهش

با جستجو در سایت‌های مختلف اینترنتی، مقالات زیر درباره معروف عبدالمجید مشاهده شد؛ ولوی و کوچکی کوشیده‌اند با نشان دادن مظاهر قیام امام حسین (ع) در اشعار عبدالمجید به تبیین شرایط سیاسی جامعه عربی، به ویژه مصر، پرداخته و بدین وسیله، اهمیت اشعار او را در فروختن شعله جنبش بیداری اسلامی و انقلاب اخیر مصر هویدا سازند. (ر.ک ۱۳۹۲: ۱-۱۹) حاجی‌زاده و باوان‌پوری، ضمن معرفی شخصیت شاعر، مدح علوی را در دیوان وی مورد بررسی و تبیین قرار داده‌اند؛ (ر.ک ۱۳۹۳: ۱۵۹-۱۳۹) اما مقاله‌ای که به بررسی تأثیرپذیری این شاعر از قرآن کریم پرداخته باشد مشاهده نشد.

ضرورت شناخت بیشتر این شاعر شیعه‌شده و نیز تبیین بهره‌گیری وی از متون والای دینی به ویژه قرآن کریم ضرورت این پژوهش را ایجاب می‌کند.

سؤالات اساسی در این پژوهش عبارتند از:

- ۱- معروف عبدالمجید تا چه میزان از قرآن کریم بهره برده است؟
- ۲- معروف عبدالمجید این بهره‌گیری را چگونه در شعر خویش نشان داده است؟

۳. اثر قرآن کریم در شعر عبدالمجید

۳.۱. اقتباس و تضمین

اقتباس از ریشه (قبس) و به معنای پاره آتش برای روشنی و گرمابخشی است (زمخسری، ۱۹۸۸: ماده قبس؛ ابن منظور، بی‌تا: ماده قبس) و در اصطلاح ادبی «آن است که گوینده در نثر یا نظم عبارتی از قرآن یا حدیث را به صورت بیان مطلب اصلی و ادامه سخن درج کند». (راشد محصل، ۱۳۸۰: ۱۹) در این شیوه، شاعر گزاره؛ یعنی عبارت قرآنی را با همان شکل و ساختار، بدون هیچ گونه تغییر و دگرگونی، و یا با اندکی تغییر که در تنگنای وزن یا قافیه از آن گریزی نیست، در

سخن خود جای می‌دهد. (راستگو، ۱۳۷۶: ۲۹) «اقتباس آن است که کلام چیزی از قرآن یا حدیث در بر داشته باشد؛» (حلبی، ۱۹۸۰: ۳۲۳) البته شاعر به گونه‌ای نشان می‌دهد که گفتارش را از کجا گرفته است. (مطلوب، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۴)

تضمین مصدر باب تفعیل از ریشه (ضمن) است به معنای گنجاندن، اما معنای اصطلاحی آن «در علم بدیع عبارت است از این که شاعر آیتی از قرآن یا حدیثی از معصوم یا مصرعی یا بیته یا دو بیته از شاعران و نویسندگان پیشین یا معاصر را در سروده خود می‌آورد؛» (حلبی، ۱۳۷۴: ۶۰) اما «این صنعت در کاربرد قرآن و حدیث، به صورت گرفتن بخشی از یک آیه یا تمام آیه و ذکر آن در یک مصراع یا در چند عبارت، صادق است.» (راشد محصل، ۱۳۸۰: ۲۱) این اثر تضمین را این گونه تعریف کرده است: «این که شاعر یا ادیب، شعر یا نثر خویش را با کلامی از دیگری به قصد کمک به تأکید معنای موردنظر خویش به کار گیرد.» (ابن اثیر، ۱۹۵۹: ۲۰۳)

شاعر ضمن اشاره به اقدامات پیامبر (ص) در مسیر پرمشقت خویش که منجر به برپایی اسلام شد از معجزه جاویدان ایشان، قرآن کریم، یاد کرده که هیچ شک و تردیدی در آن نیست که این امر برگرفته از الفاظ قرآنی است:

يا داعياً لله رباً واحداً
و محطّم الأوثان والأصنام
يا من أقمت حكومة شرعية
أنعم بها من سلطنة ونظام...!
العرش منبعاها ورافدها الذي
مما يضم وجود بالاحكام
وكتابها القرآن نور ساطع
لاريب فيه هدى لكل مرام
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۵ و ۱۴)

متن غایب: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَأَرْيَبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (البقرة: ۲).

شاعر به ازدواج آسمانی حضرت علی (ع) با فاطمه زهرا (س) اشاره نموده است که در آن ملائکه و حورالعین تهلیل

می‌گفتند و در لباس‌های زیبا می‌خرامیدند و آن دو بزرگوار را به دو نور تشبیه ساخته است که هرگز غروب نمی‌کنند. حورالعین از الفاظ والای قرآنی است:

يا بعل فاطمة، وقد زُوِّجَتْهَا
من فوق سبع، والشهود تُهَلَّلُ
الخاطب الباري، وحورالعین حو
ل العرش في حلل السنا تتدلُّ
نور ونور زُوِّجا، ما النور؟ قی
ل هما، ونورٌ کلّیهما لا یأفل...!

(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۲۸-۲۷)

متن غایب: «كَذَلِكَ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (الدخان: ۵۴)

شاعر در طلب شفاعت از حضرت علی (ع) برآمده و به ذکر صفات والای ایشان پرداخته است؛ عبدالمجید حضرت (ع) را والایی دانسته که هرگز سقوط نمی‌کند و به شأن نزول سورة انسان در وصف ایشان اشاره نموده است:

يا صاحب الاعراف، والنجوی، وسو
رهُ هل أنى، يا عالیاً لا یسفلُ

(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۲۹)

متن غایب: «هَلْ آتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» (الانسان: ۱)

شاعر در طلب غفران الهی خویشتن را بنده‌ای مطیع و خوار می‌داند که خداوند را می‌خواند و از او می‌خواهد با فضل خویش وی را مورد لطف قرار دهد زیرا که وی گناهان بسیاری انجام داده و در آن از "غافر الذنب" استفاده کرده است که از الفاظ قرآنی بهره برده است:

عبدٌ مطیعٌ ذلیل النفس ناجاکا
فامنحه یا عطیاً من فضل نُعماکا
ذنبی ثقیل ووزری نؤت تحتهمما
یا غافر الذنب ... مَن ادعوه إلاک؟!

(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۷۵)

متن غایب: «غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهٌ مَّصِيرٌ» (الغافر: ۳)

شاعر به برکت فراوان شب قدر که در آن قرآن کریم نازل گشته است، اشاره نموده و آن را برتر از هزار شب دانسته است که بار دیگر از الفاظ قرآنی بهره گرفته است:

يا ليلة القدر فيك الخير موفورُ
نزل الكتاب وجاء الوحي والنورُ
يا خيرَ من ألف شهر، يا مؤلّهة
أنت السلام، وفيك الأمر مقدورُ

(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۸۰)

متن غایب: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (القدر: ۵-۱)

شاعر با بهره‌گیری از الفاظ قرآنی امیدوار است که جبرئیل نزول کرده و انسانی کامل را ترسیم سازد که آن را ببینند و با روح خویش در روستاهای آنان پژوهی به یادماندنی و برجسته‌بدمد تا بعد از سکونی طولانی به پا خیزند:

ما الذي يحدث الان لو أن جبرئیل يأتي / ويمثل بشراً سوياً
نراه / وينفخ من روحه في قرانا / صدی عبقریاً / فتنهض بعد
الثبات الطویل! (عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۳۲ و ۱۳۱)

متن غایب: «فَاتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَاباً فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم: ۱۷)

۳.۲. عقد و تحلیل

عقد عبارتست از به نظم کشیدن نثر به طور مطلق، نه به شکل اقتباس، و از شرایط آن، این است که تمام الفاظ نثر یا بیشتر آن گرفته می‌شود و ناظم چیزی به آن بیفزاید یا از آن بکاهد تا بتواند در وزن شعر داخل شود (الهاشمی، ۱۳۸۰: ۴۵۸؛ همامی، ۱۳۶۱: ۳۴۱).

حل یا تحلیل در لغت یعنی از هم باز کردن و گشودن و در اصطلاح ادیبان، گرفتن لفظ آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از احادیث یا شعری از اشعار یا متلی در گفتار و نوشتار است با خارج ساختن آن از وزن یا صورت اصلی‌اش به طور کامل یا ناقص. (راستگور، ۱۳۷۶: ۵۸؛ مصاحب و دیگران، ۱۳۸۰: ذیل

(حل)

عبدالمجید در قصیده‌ای که در مدح پیامبر اکرم (ص) سروده است ضمن برشمردن صفات والای ایشان، به بیان مهمترین کار ایشان یعنی انتخاب جانشین شایسته‌شان، حضرت علی (ع)، در غدیر خم اشاره نموده است که با این کار نعمت بر مسلمین اتمام یافته و دین‌شان کامل گشته است و همگان باید آن را بپذیرند:

الدين قد أكملته، ورضيته
ديناً، و تَمَّتْ نعمة بإمام
فمن ابتغى ديناً، فدينك وحده
لا يُبتغى دين سوى الإسلام
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۲)

متن غایب: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِيْمَانِهِ فِإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (المائدة: ۳) و «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.» (آل عمران: ۸۵)

با ظهور دین اسلام اختلافات قبیله‌ای، که به شدت رواج داشت، رنگ باخت و الفت و انس بین مسلمین حاکم گشت. شاعر اعلام کرده که آنها با تصدیق پیامبر (ص) و ایمان به ایشان، به ریسمان محکم الهی چنگ زده‌اند که در آن از قرآن کریم بهره گرفته است:

يا جامع القوم الذين بحوله
ألّفت بين قلوبهم بوئام
ألّفت بينهم، ولولا ربنا
ماكان، لو أنفقت كل أدام
هم صدقوك وآمنوا، فعصمتهم
بالحبل، حبل الله، خير عصام
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۳)

متن غایب: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْهِمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى سَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳)

عبدالمجید از متفرق شدن امت پیامبر (ص) به گروه‌ها و دسته‌های مختلف سخن گفته و در ادامه آنان را برادر و

امت واحد دانسته که در آن فرقی بین عرب و عجم وجود ندارد:

يا ليت أمتك التي كادوا لها
فغدت مقسمة إلى أقسام
تدع التعصب والتشردم جانباً
وتفرق الرايات والأعلام
فالمسلمون- وان تناسوا- أمة
رغم الجراح وشدة الآلام
والمسلمون- وان تئاوا- أخوة
لا فرق بين "الفارسي" و "الشامي"...!
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۵)

متن غایب: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.» (الحجرات: ۱۰)

شاعر در یکی از قصاید خویش در منقبت امام علی (ع) به مسأله غدیر و نزول آیه درباره ایشان اشاره نموده است و اینکه اگر پیامبر (ص) این مسأله را بیان نمی‌کرد گویی تمام کارهای ایشان ناتمام مانده است:

فإذا أتى يوم الغدير تنزلت
آيات ربك كالنجوم اللّمع
فم يا محمد، انها لرسالة
إن لم تبلغها كأن لم تصدع
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۹)

متن غایب: «فَأَصْدَعُ بِمَا تُوْمَرُ وَأَعْرِضُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ.» (الحجر: ۹۴)

شاعر با بهره‌گیری از الفاظ والای قرآنی شعر خویش را رنگ و بویی خاص و روحانی بخشیده است: سبحان من خلق الوجود بأسره
إذ قال: كُن ... كان الوجود بأمره
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۷۴)

متن غایب: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.» (یس: ۸۲)

عبدالمجید در وصف حضرت مهدی (عج) از ایشان خواسته که زودتر ظهور کند و از "طور سینین" سخن گفته است که به خاطر وجد و شعف خشوع کرده است و نیز اگر

جرح الأحبة فاغر ما التاما
يفري، ولا ندري له إيلا ما
ناز الصبابة لا تُحرق عاشقاً
وتكون برداً فوقه وسلاماً
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۷۹)

متن غایب: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (الأنبياء: ۶۹)

۳.۳. تلمیح

از مظاهر تأثیرپذیری از قرآن کریم در آثار شاعران و ادیبان، فراخوانی شخصیت‌های قرآنی است. شخصیت پیامبرانی مانند: آدم، یوسف، نوح، ایوب، موسی (علیهم السلام) و پیامبر اکرم (ص) و ... و شخصیت هاییل و قایل؛ (ر.ک رستمپور، ۱۳۸۴: ۳۲-۲۲) که گاهی از آن به تلمیح نیز یاد می‌شود. تلمیح یکی از صنایع ادبی است که کاربرد فراوانی در ذهن و زبان سراینندگان و خوانندگان دارد. البته «ناقضان عرب از آن به فراخوانی شخصیت‌های دینی یاد کرده‌اند.» (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۱۸) تلمیح مصدر باب تفعیل «به تقدیم لام از لمح به معنی نظر کردن عبارت است از آن که متکلم در کلام اشاره کند به قصه معروفی یا شعر مشهوری یا مثل سائری بدون ذکر هر یک» (هاشمی خراسانی، ۱۳۷۲: ج ۹: ۲۵۴ نیز ر. ک الفتنازانی، ۱۴۰۹: ۴۷۵؛ جرجانی، ۱۹۳۸: ۲۹) و یا «تلمیح آن است که به مناسبت کلام به داستان یا مثل یا آیه یا حدیث یا شعری اشاره شود. لازمه دریافت معنی و زیبایی تلمیح، آشنایی قبلی با آن داستان یا مثل یا آیه یا شعر است.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۶۶) این آرایه آن گونه است که «سخنور به یاری آن می‌تواند بافت معنایی سروده را ژرفا ببخشد و دریایی از اندیشه‌ها را در کوزه‌ای تنگ فرو ریزد» (کزازی، ۱۳۷۳: ۱۱۰)

عبدالمجید به "عام الفیل" و آمدن پرندگان موسوم به "أبایل" اشاره نموده که سنگ‌هایی را حمل می‌کردند که باعث نابودی سپاه بزرگ فیل شد:

وشهید الأمة «عمار» / یا أنت / وأنت الاتباع وقد هبوا
لمؤازرتي / في عام الفیل / وأنت طیور أبایل / وأنت الأحجار
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۵۱)

ایشان بر کوه "حوریب" ظهور کنند قله‌های مرتفع آن از ترس یا طمع نزدیکی به امام (عج) از یکدیگر پاشیده می‌شود: متی تجلیت یا مهدی امتنا
أو إن ظهرت علی "حوریب" انصدعت
و "طور سینین" من وجد به خشعا
أركانه الشمم خوفاً منك أو طمعا
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۲۷)

متن غایب: «(و طور سینین)» (التین: ۲) و «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (الحشر: ۲۱)

شاعر با بیان تأسف خویش از شهادت امام رضا (ع) با بهره‌گیری از اسلوب قرآنی آرزو می‌کند شمشیری باشد تا دست کسانی را که به امام (ع) سم نوشانیدند؛ قطع کند و نیز آرزومند است کاش نهر جاودانگی باشد تا عمر خویش را به امام رضا (ع) ببخشد:

فيا ليتني كنت سيفاً / لقطعت تلك الأيادي / فلم تزرع السم بين
الورود / ولم تمنع الماء عن / مهرجان الشجر ... / ويا ليتني كنت
نهر الخلود / لأعطيت كل بقائي / لعمر "الرضا" (عبدالمجید،
۱۴۲۰: ۱۳۹ و ۱۳۸)

متن غایب: «إِنَّا أَنْزَلْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمُرءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا.» (النبا: ۴۰)

عبدالمجید در شعری به مناسبت میلاد امام حسن مجتبی (ع)، به شباهت ایشان با پیامبر (ص) اشاره نموده و نیز اینکه وجود آنان کاملاً از رجس (پلیدی و ناپاکی) خالی و مبرا است:

یا (حسن) العترة / وشبيهه نبي الله / ويا مجد القربى والبيت
الذاهب عنه / الرجس بكن فيكون / فكان الأركى . . . والأظهر /
يا بكر الزهراء / ويا قبلة حجج السُّوح / على وجنة هارون الأمة /
يا سُبر ... (عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۶۱)

متن غایب: «(وَأَطَعَنَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)» (الاحزاب: ۳۳) و «إِنَّمَا أَمْرَةٌ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲)

شاعر در مدح حضرت معصومه (س) نیز بار دیگر از الفاظ والای قرآنی بهره برده است:

متن غایب: «وَأَوْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ * تَزِمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ» (الفيل: ۴ و ۳)

حضرت یوسف (ع) یکی از پیامبران الهی می‌باشد که سوره دوازدهم قرآن کریم به نام ایشان و از آغاز تا پایان پیرامون سرگذشت ایشان می‌باشد. «نام حضرت یوسف (ع) ۲۷ بار در قرآن کریم ذکر شده است.» (ابوخلیل، بی‌تا: ۶۵) یوسف (ع)، نماد حُسن و معصومیت و پاکدامنی است که برادرانش به او حسادت و کینه‌توزی کردند و توسط آنان به چاه انداخته شد. شاعر به قصه کور شدن حضرت یعقوب (ع) بر اثر گریه فراوان در فراق فرزند، که در قرآن کریم آمده است، اشاره نموده و خود را کوری دانسته که با میلاد امام حسن مجتبی (ع) چشمانش بینا گشته است:

بهرتي أعراسُ الوجد / وقد كنتُ من أبيضت عيناه / من
الحزن الجارف / فتمسّح في مهدك يوم الميلاد / فأشرق فيه
الشوق اليعقوبي / وأبصر...!! (عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۶۰)

متن غایب: «وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَؤُسْفَ وَإِيضًا عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ» (یوسف: ۸۴)

حضرت موسی (ع) یکی از پیامبران اولوالعزم الهی است. «نام ایشان ۱۳۶ بار در قرآن کریم ذکر گشته است.» (ابوخلیل، بی‌تا: ۷۳) در ادبیات هر جا نامی از موسی (ع) آمده، عصای وی نیز ذکر شده است و در کل موسی (ع) و عصای بهشتیش تشکیل یک نماد واحد را داده‌اند که بیانگر خرق عادت و معجزه‌گری است که شاعر این نماد را در این بیت به خوبی به کار برده است. حضرت یونس (ع) یکی از پیامبرانی است که بر قوم بنی‌اسرائیل مبعوث گشت. ایشان آن گاه که سوار کشتی گشتند به دریا افتاده و ماهی بزرگی ایشان را بلعید، پس از چند روز که در شکم ماهی به ذکر خدا پرداخته و به ستمی که بر قومش روا داشته و آنان را ترک کرده بود، اعتراف کرد توبه‌اش پذیرفته شده و از شکم ماهی خارج شد. شاعر در قصیده‌ای به نام "منشور الغدير" از اژدهایی سخن می‌گوید که وی را نجات خواهد بخشید یا از ماهی‌ای که وی را از شر اشرار روزگار حفظ کند که در آنها از قصه حضرت موسی (ع) و یونس (ع) بهره برده است:

فتناولُ يا ذالرأس الشامخ / وانفحنى في الطخية مجدافاً
وشراعاً / واحبس عني عاصفة الحقد القرشية / وابتعث تيناً
ينقذني / أو حوتاً يمنعي / من شر قراصنة الدهر (عبدالمجید،
۱۴۲۰: ۱۶۸)

متن غایب: «فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ» (الأعراف: ۱۰۷) و «فَأَلْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ.» (الصفات: ۱۴۲)

شاعر از حضرت خضر (ع) خواسته تا دیواری برای وی بسازد شاید که گنج‌های پیروزی زیر آن باشد و نیز از ذوالقرنین خواسته تا سدی بسازد که وی را در برابر حملات وحشیانه تاتار حفظ کند که از قرآن کریم بهره برده است:

يا (خضر الأمة) / ... / ... / أقم اليوم جداري / فلرب كنوز
النصر المحبوس / انظمرت تحته / أو فأجعل ردماً . . . أو سداً
... / يحجب عني غارات (التتر) الهمجية / يا (ذا القرنين) ...!
(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۶۹)

متن غایب: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (كهف: ۸۲) و «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْآنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا * قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا.» (الكهف: ۹۵ و ۹۴)

نتایج

قرآن کریم از دیرباز و از زمان نزول در شعر و ادب تأثیر بسزایی داشته است و مضامین شعری را تغییر داده و شاعران با توانایی خاص خود از معانی و الفاظ والای آن تأثیر گرفته‌اند. نتایج این پژوهش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- معروف عبدالمجید یکی از شاعرانی است که با وجود گمنامی، از شعرای بلیغ ادب عربی است که متأسفانه کمتر به زندگی و دیوان وی پرداخته شده است.

۲- شاعر تقریباً در مداخل نبوی و علوی و رضوی و مهدوی خویش - از الفاظ و معانی قرآنی الهام گرفته است.

۳- وی گاهی از عین آیه قرآنی یا الفاظ هم معنی آن و در پاره دوم از شعر خود، از معانی و مضامین قرآنی بهره گرفته است و گاهی نیز به داستان‌های قرآنی مانند داستان موسی (ع)، یوسف (ع)، یونس (ع) و نیز ابراهیم (ع) اهتمام داشته است.

فهرست منابع

کتابها و مقالات

قرآن کریم.

- ابن اثیر، ضیاءالدین (۱۹۵۹). **المثل السائر في ادب الکاتب و الشاعر**، تحقیق احمد الحوفی، قاهره: دار النهضة العربية.
- ابن الرومی (۱۴۰۷). **دیوان**، تحقیق عبدالقادر المازنی، بیروت: المكتبة الحديثة.
- ابن منظور، جمال‌الدین (بی‌تا). **لسان العرب**، بیروت: دارالصادر.
- ابوخلیل، شوقی (بی‌تا). **اطلس القرآن**، دمشق: المطبعة الهاشمية.
- امرؤالقیس (۱۹۸۹). **دیوان امرئ القیس**، تحقیق: حنا الفاخوری، بیروت: دارالجیل.
- بنیس، محمد (۱۹۷۹). **الشعر العربي المعاصر**، بیروت: دارالعودة.
- التفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۱۴۰۹). **المطوّل**، قم: مکتبة الداوری.
- جربوع، عزة (۲۰۰۲). **التناص مع القرآن الکریم فی الشعر العربي المعاصر**، **مجله فکر و إبداع**، شماره ۱۳.
- جرجانی، میر سیدشریف (۱۹۳۸). **التعريفات**، قاهره: دارالمعارف.
- حاجی‌زاده، مهین و مسعود باوان‌پوری (۱۳۹۳). بررسی مدح علوی در دیوان بلون الغار بلون الغدیر اثر معروف عبدالمجید، **پژوهشنامه نهج البلاغه**، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۵۹-۱۳۹.
- حلی، شهاب‌الدین محمود (۱۹۸۰). **حسن التوسل إلى صناعة الترسّل**، تحقیق اکرم عثمان یوسف، بغداد: وزارة الثقافة و الإعلام.
- حلی، علی‌اصغر (۱۳۷۴). **تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- خزعلی، انسیه (۱۳۸۳). **امام حسین در شعر معاصر عربی**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۰). **پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی**، تهران: آهنگ قلم.
- راستگو، سید محمد (۱۳۷۶). **تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی**، تهران: سمت.

منابع و سایت‌های اینترنتی

- ۱- رستم‌پور، رقیه (۱۳۸۴). **التناص القرآنی فی شعر محمود درویش، مجلة انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی**، شماره ۳، صص ۳۴-۱۵.
- ۲- زمخشری، محمد بن عمر (۱۹۸۸). **أساس البلاغة**، چاپ دوم، بیروت: دارالمعرفة.
- ۳- عبدالمجید، معروف (۱۴۲۰). **دیوان بلون الغار بلون الغدير**، قم: مرکز الأبحاث العقائدية.
- ۴- عزام، محمد (۲۰۰۱). **النص الغائب**، بیروت: دارالمعارف.
- ۵- فکیکی، عبدالهادی (۱۹۹۶). **الاقْتباس من القرآن الكريم فی الشعر العربي**، دمشق: منشورات دارالنمیر.
- ۶- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۳). **زیبایی‌شناسی سخن پارسی (۳)**، بدیع، تهران: نشر مرکز.
- ۷- مصاحب، غلامحسین و دیگران (۱۳۸۰). **دایرةالمعارف فارسی**، تهران: امیرکبیر.
- ۸- مطلوب، احمد (بی‌تا). **معجم النقد العربي القديم**، بغداد: دارالشئون الثقافية.
- ۹- مغنیه، حبيب يوسف (۱۹۹۵). **الأدب العربي من ظهور الإسلام إلى نهاية العصر الراشدي**، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- ۱۰- میرزایی، فرامرز و ماشاءالله واحدی (۱۳۸۸). **روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر**، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۵، صص ۲۹۹-۳۲۲.
- ۱۱- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۵). **بدیع از دیدگاه زیباشناسی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲- ولوی، سیمین و مسعوده کوچکی (۱۳۹۲). **مظاهر قیام حسینی در اشعار معروف عبدالمجید، مجلة الجمعية العلمية الإيرانية للغة العربية وآدابها**، سال ۹، شماره ۲۹، صص ۱-۱۹.
- ۱۳- هاشمی، احمد (۱۳۸۰). **جواهرالبلاغة**، ترجمه محمود خورسندی و حمید مسجدسرای، چاپ دوم، تهران: نشر فیض.
- ۱۴- هاشمی خراسانی، حجت (۱۳۷۲). **مفصل شرح مطول**، قم: انتشارات حاذق.
- ۱۵- همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۱). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، چاپ پنجم، تهران: انتشارات توس.
- ۱- سایت شعراء اهل البيت (ع)، آخرین بازبینی ۹۴/۱۰/۳۰
<http://www.shoaraa.com>
- ۲- سایت فارس نیوز، آخرین بازبینی ۹۴/۱۰/۳۰
<http://farsnews.net>
- ۳- سایت مستبصرین، آخرین بازبینی ۹۴/۱۰/۳۰
<http://www.mezan.net/mostabsirin/marrouf.htm>